

حق اختراع و مبانی آن در آینه تاریخ

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۲۹

سید حسن شبیری زنجانی^۱

چکیده

برخی نویسندگان، اوایل دوره رنسانس ایتالیا در قرن پانزدهم میلادی را آغاز شناسایی حق اختراع می‌پندارند؛ اما به نظر می‌رسد سابقه آن بسی طولانی‌تر بوده و شاید بتوان گستره آن را تا قرن‌ها قبل از میلاد کشاند. مبنای اولیه حق اختراع، ایجاد انگیزه و تشویق جهت نوآوری و نیز انتقال فناوری‌های ناشناخته به داخل کشور بود. به دنبال توسعه تجارت و صنعت در بخش‌هایی از اروپا، اولین قانون مدرن حق اختراع در ونیز ایتالیا در سال ۱۴۷۴ به تصویب رسید و سپس دیگر کشورها به تقلید از آن، نظام حق اختراع خود را بنا نهادند. یکی از کشورهای پیشرو در این زمینه، انگلستان بود که اولین قانون موضوعه حمایت از اختراعات خود را در سال ۱۶۲۴ تصویب نمود. در ابتدا حق انحصاری مخترع مبتنی بر حق ذاتی و انحصاری پادشاه بود که در قالب سیستم امتیاز، به مخترع اعطا می‌شد؛ اما با به رسمیت شناخته شدن حق طبیعی مخترع در قرون بعدی، نظام حق انحصاری مخترع جایگزین آن شد. نوآوری و شکوفایی کنونی کشورهای صنعتی، همچون ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی، مرهون برپایی و تقویت نظام حق اختراع در طول چند قرن گذشته است.

واژگان کلیدی: پیشینه قانون اختراع، نظام امتیاز، مبنای تشویق، ونیز ایتالیا، مبنای حق

اختراع، پیشرفت صنعتی، حق اختراع.

۱. استادیار گروه حقوق مالکیت فکری دانشگاه قم. (shshobeiri@yahoo.com)

مقدمه

یکی از موضوعاتی که به طور معمول در هر پژوهشی به آن توجه می‌شود، آشنایی با سابقه موضوع و ریشه‌های تاریخی آن می‌باشد. اما در پاره‌ای از پژوهش‌ها - به‌ویژه آنهایی که محور اصلی‌شان فلسفه وجودی یک موضوع است - اهمیت مباحث تاریخی دوچندان می‌شود و مروری اجمالی به‌تنهایی نمی‌تواند حق مطلب را ادا نماید؛ زیرا با مراجعه به تاریخچه مبحث، به فواید زیادی می‌توان دست یافت. با مطالعه و بررسی تاریخ یک موضوع، به‌خوبی می‌توان به دلایل شکل‌گیری و توسعه آن موضوع در طول ادوار مختلف پی برد. به علاوه، با آگاهی از موضع‌گیری‌های موافق و مخالف اندیشمندان پیرامون آن موضوع در طول دوره‌های متفاوت تاریخی، می‌توان مبانی گوناگون فلسفی را به دقت از لابلای آنها کشف و استخراج نمود. همچنین از آنجایی که تجربه تاریخی یکی از مناسب‌ترین راه‌های عملی جهت راست‌آزمایی یک نظریه محسوب می‌شود، با استفاده ابزاری از تاریخ با سهولت بیشتری می‌توان درستی نظریه‌های فلسفی را سنجید. تاریخ، منبعی مطمئن و میزانی نسبتاً دقیق است که به کمک آن می‌توان با استواری و اطمینان بیشتری با افراط و تفریط در آراء به مقابله برخاست و ذهن را به سوی تعدیل در آراء سوق داد.

برخی نویسندگان حقوقی، مطالعات تاریخی در حوزه مالکیت فکری را به‌ویژه برای شناخت مبانی آن به دلایل زیر مفید و سودمند می‌دانند: (Drahos , 2002: 13)

۱. بسیاری از تحلیل‌های اقتصادی طبق پاره‌ای از مبانی حقوق مالکیت فکری همچون مبنای «فایده‌گرایی»^۱ در حقوق آمریکا متکی بر تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی است. بدون شک بسیاری از این تحلیل‌های اقتصادی وابسته به اطلاعات جامع آماری و تجربیات بشر در طول دوران متمدنی زندگی او است و هر چه این اطلاعات و تجربیات بیشتر باشد، صحت و سقم این نظریه‌ها بیشتر مشخص می‌شود. بدیهی است تاریخ شاهدهی مهم برای این‌گونه تحلیل‌ها است. به عنوان نمونه این سؤال که آیا نظام فعلی حمایت از مالکیت فکری واقعاً باعث پیشرفت جامعه و رفاه عمومی اجتماعی در درازمدت می‌شود یا اینکه در عمل فقط قشر خاصی از این حمایت‌ها بهره‌مند می‌شوند، پاسخ به آن نیازمند بررسی‌های دقیق و مفصل تاریخی است.

1. Utilitarian.

۲. تاریخ ابزاری مهم در روش‌شناسی زمانی و وسیله‌ای مناسب برای شناخت تحولات مفهومی نهادها و نیز اصطلاحات به کار رفته در حوزه مالکیت فکری و همچنین شناخت مراحل تدریجی ایجاد و گسترش ابعاد و مصادیق مختلف حقوق مالکیت فکری در طول تاریخ و چگونگی پذیرش تدریجی آن در جامعه است.

۳. طبق برخی مبانی فلسفی همچون ماتریالیسم تاریخی مارکس، حقوق مالکیت فکری ادامه مرحله توسعه در جوامع سرمایه‌داری بعد از مرحله صنعتی شدن است. استفاده از تاریخ می‌تواند برای اثبات یا نفی این‌گونه مبانی فلسفی سودمند باشد.^۱

همچنین تحقیق پیرامون مباحث تاریخی مالکیت فکری فواید زیر را به دنبال دارد: (Ibid. p.)

(14)

۱. یکی از فواید مطالعات تاریخی این است که می‌توان برخوردهای متفاوت با ویژگی‌ها و اوصاف حقوق مالکیت فکری را در طول تاریخ و در جوامع مختلف مشاهده کرد. به عنوان نمونه، بسیاری از نظام‌های حقوقی برخلاف نظام حقوقی رایج در اروپا، تمایل بیشتری به محدود کردن قابلیت انتقال حقوق فکری دارند یا اینکه نظام‌های رومی - ژرمنی اروپا علاوه بر جنبه‌های اقتصادی، به تدریج جنبه‌های اخلاقی و معنوی این حقوق را در طول قرن‌ها به رسمیت شناخته‌اند. این در حالی است که کشورهای آنگلو ساکسون به این مقوله کمتر عنایت داشته و فقط جنبه‌های اقتصادی این حقوق را در کانون توجه خود قرار داده‌اند.

۲. تاریخ منبعی غنی برای پیگیری مبانی فلسفی حقوق مالکیت فکری محسوب می‌شود. با کمک تاریخ، ضمن آگاهی یافتن از توجیهات اولیه فلسفی که برای تأسیس نظام حقوق مالکیت فکری ارائه شده است، آنها را با مبانی فلسفی رایج امروزی سنجیده تا ضعف‌ها و قوت‌های این مبانی به‌خوبی آشکار گردند.

به هر حال، با توجه به اهمیت و جایگاه ویژه مباحث تاریخی در این نوشتار تا آنجایی که در حوصله مقاله می‌گنجد، از تاریخچه حق اختراع به عنوان یکی از مصادیق مهم حقوق مالکیت

1. Ibid.

فکری به تفصیل یاد می‌شود. اما از آنجایی که خاستگاه اصلی نظام حقوق مالکیت فکری کشورهای غربی می‌باشد، دایره بحث محدود به این کشورها خواهد بود.

گرچه برخی از نویسندگان، اوائل دوره رنسانس ایتالیا در قرن پانزدهم میلادی را آغاز شناسایی حق اختراع می‌پندارند (Mossoff 2001: 3-4)، اما با مراجعه به منابع و مدارک تاریخی به نظر می‌رسد سابقه آن بسی طولانی‌تر بوده و با اندک تسامحی در دایره این مفهوم، شاید بتوان گستره آن را تا قرن‌ها قبل از میلاد کشاند. بنابراین برای درک جزئی‌تر و عمیق‌تر موضوع، این بحث را از دوران باستان تا زمان تصویب اولین قانون مدرن حمایت از حق اختراع در انگلستان در قرن هفدهم، و در شش دوره زمانی به ترتیب زیر پی می‌گیریم:

۱. حق اختراع در دوران باستان
۲. حق اختراع از قرن اول قبل از میلاد تا آغاز قرون وسطی
۳. حق اختراع در دوران قرون وسطی (قرن پنجم تا قرن پانزدهم میلادی)
۴. دوره رنسانس و اولین قانون حق اختراع در جهان (قرن چهاردهم تا شانزدهم میلادی)
۵. انگلیس از قرن شانزدهم تا اولین قانون ضد انحصار (منوپولی) در سال ۱۶۲۴
۶. قرن هفدهم و اولین قانون حق اختراع انگلیس در سال ۱۶۲۴

۱. حق اختراع در دوران باستان

با مراجعه به تاریخ یونان باستان درمی‌یابیم که در آن زمان در برخی از مناطق اروپا، نظام‌هایی مبتنی بر «تشویق و ایجاد انگیزه نوآوری» وجود داشت.^۱ بر این اساس، افرادی که توانایی و استعداد اختراع و خلق آثار ابتکاری در حوزه‌های کاربردی داشتند، مورد حمایت و تشویق قرار می‌گرفتند تا با قدرت خلاقه ذهنی خود آثاری جدید را به وجود آورند که برای جامعه مفید باشد و در ازای افشای آن بر همگان، پاداشی را دریافت می‌کردند و بدین‌وسیله سبب افزایش رفاه عمومی می‌شدند. قدیمی‌ترین سند مکتوب و معتبری که در حمایت از اختراع تاکنون

1. http://west.thomson.com/store/relatedpdfdownload.aspx?file=126936_2005217_212950.pdf.

به دست ما رسیده، مربوط به پانصد سال قبل از میلاد است (Prager, 1952:34). نویسنده یونانی آثنائوس^۱ به نقل از مورخ یونانی می‌نویسد (Klitzke, 1959:615) که در «سیاریس»^۲ شهر باستانی یونان در جنوب ایتالیا که به تجمل‌گرایی شهره بود و مردم آن به عیش و نوش اهمیت فراوانی می‌دادند، حاکم آن منطقه قانونی را وضع نمود که به موجب آن هر قنّاد یا آشپزی که فرمول شیرینی یا غذای لذیذ کاملاً جدید و ابتکاری را پیشنهاد می‌داد، حق انحصاری پخت آن برای مدت یک سال برای او برقرار می‌شد. بدیهی بود این کار سبب تشویق سایر رقبا به ایجاد اختراعات جدیدتر می‌شد (Rich. 2004: 217-224).

اصطلاح «منوپولی»^۳ (که به معنای «انحصار فروش» می‌باشد) یادگار دوران یونان باستان است که برای اولین بار ارسطو آن را در حدود سال ۳۴۷ قبل از میلاد به کار برده است (Rich. 2004: 227). در یونان باستان علاوه بر اعطای «امتیاز انحصاری» برای بهترین آشپز مخترع، تاج طلایی مخصوص و برای دیگر آشپزهای مخترع، جوایز عادی در نظر گرفته می‌شد (Klitzke, *op. cit.* p.618).

گرچه اخیراً اصل وجود این نظام در آن زمان مورد تردید واقع شده است (see Vishwas)، صرف‌نظر از این شبهات، با مقایسه آن دوره با دوره فعلی می‌توان به این نکته پی برد که همان نظام انگیزشی دوهزار سال پیش در قوانین مدرن و پیشرفته امروزی حق اختراع نیز به وضوح مشاهده می‌شود و این ادعا تقویت می‌شود که مبنای حق اختراع با طبیعت انسانی رابطه نزدیکی داشته و از آن برخاسته است و نمی‌توان اعتبار این حق را فقط به صنعتی شدن جوامع در چند قرن اخیر مستند نمود (Bugbee, 1967: 101-105).

این شهر باستانی در پانصد قبل از میلاد به کلی ویران شد، اما بعد از گذشت دو قرن، ارسطو دانشمند یونانی بار دیگر مفهوم اعطای حق انحصاری به مخترعان را مطرح ساخت (Klitzke, *op. cit.* p.620). البته وی با نظر مشهور در دوران گذشته یونان باستان و نیز برخی از

1. Athenaeus.
2. Sybaris.
3. Monopoly.

معاصران خود، از جمله هیپوداموس^۱ که معتقد بودند همهٔ مخترعان و کاشفان باید به خاطر نوآوری‌ها و کشف‌هایی که برای جامعه مفید است، جایزه و صله دریافت نمایند، به کلی مخالف بود. ارسطو به این دلیل با اعطای جایزه و ایجاد رقابت مخالفت می‌ورزید که به نظر او این امر سبب «تنزل یافتن مقام و جایگاه ذهن و اندیشه» می‌شد (Rich, *op. cit.* p. 109).

۲. حق اختراع قبل از قرن اول میلادی تا آغاز قرون وسطی

در زمان ارشمیدس^۲ ریاضی‌دان، فیزیک‌دان، فیلسوف و ستاره‌شناس دوران یونان باستان اختراعات مهمی در زمینه‌های نظامی و دریایی به وقوع پیوست و پادشاهان یونان و رم هم پیوسته مخترعان را مورد تشویق و توجه ویژه خود قرار می‌دادند. به عنوان نمونه کنستانتین امپراتور رم که در سال‌های ۲۸۰ تا ۳۳۷ پس از میلاد حکومت می‌کرد، بسیاری از صنعتگران و مخترعان، به‌ویژه طراحان و سازندگان اربابه‌های جنگی، مهندسان و قفل‌سازان را از تمامی تکالیف و وظایف شهروندی معاف کرده بود (Klitzke, *op. cit.* p. 616).

با وجود این، قوانین یونان و رم باستان هنوز تحت تأثیر عقاید ضد انحصاری ارسطو، از مخترعان و حقوق آنها هیچ‌گونه حمایت حقوقی به عمل نمی‌آوردند (Nard, 2006). حتی تنفر و انزجار عمومی از برقراری امتیاز انحصاری (منوپولی) بر شخص یا گروه خاص در نظام حقوق رم به حدی رسیده بود که در زمان امپراطوری زنون^۳ در سال ۴۸۳ میلادی، وی دستور جلوگیری از اعطای هرگونه حق انحصاری و لغو آن دسته از امتیازاتی را صادر نمود که امپراطور سابق به مخترعان داده بود (Ford, 1947:25). خودداری قوانین رم از حمایت از مخترعان سبب شد که بازرگانان و صنعتگران بتوانند بدون هیچ‌گونه مزاحمتی، آثار و محصولات صنعتی رقیبان خود را تقلید و جعل نمایند. (Frumkin, 1943: 13) پرواضح بود که این کار آثار ناخوشایندی را به

1. Hippodamus of Miletus.

2. Archimedes of Syracuse (Greek: Ἀρχιμήδης) (c. 287 BC – 212 BC).

3. Zeno.

همراه داشت؛ از جمله اینکه انگیزه برای اختراعات جدید به شدت فروکش کرد و بازار نوآوری و ابتکار کساد شد.^۱

۳. حق اختراع در دوران قرون وسطی (قرن پنجم تا قرن پانزدهم میلادی)

مدارک و اطلاعات به جامانده از ابتدای قرون وسطی آن چنان نیست که بتوان تحلیل دقیقی و جامع از وضعیت پیشرفت صنعت و فناوری و نحوه حمایت از صنعتگران و مخترعان در آن عصر ارائه داد و همان گونه که «ادوارد گیبون»^۲ مورخ انگلیسی در کتاب خود انحطاط و سقوط امپراطوری روم^۳ یادآور شده، اعتقاد عموم دانشمندان بر این است که این دوران از لحاظ فکری، دوران تاریک و عصر رکود فناوری و ابتکار آفرینی در سراسر اروپا بوده است (Liebeschutz, 2003: 104-136). به علاوه، اروپا در آن زمان تحت تأثیر شدید عقاید ارسطو قرار داشت که با «هنرها و صنایع کاربردی و مفید برای جامعه مخالف بود». با وجود این، تحقیقات اخیر دانشمندان وجود این باور در بین اروپاییان را مورد تردید قرار داده است؛ (Cantor, 1993, pp 229 – 228) زیرا برخی شواهد تاریخی نشان می دهد که مجموعه ای از پیشرفت های تکنیکی و فنی بسیار برجسته و مهم در همین دوره اتفاق افتاده است. این تحولات در زمینه های مختلفی از قبیل صنعت نساجی، کشاورزی، آب، باد و ساختمان سازی گسترش داشته است.

در اواسط قرون وسطی، نشانه های ابتدایی حمایت حقوقی از صنعتگران در برخی کشورهای اروپایی ظاهر شد؛ اما این حمایت ها بدون توجه و حساسیت به این نکته بود که اختراع باید محصول خلاقیت و نوآوری خود صنعتگر و منسوب به او باشد. این نوع حمایت ها بیشتر در قالب اعطای امتیاز انحصاری موسوم به «فرانشیز»^۴ برای تشویق صنعتگران خارجی جهت انتقال فناوری های موجود در دیگر کشورها به داخل کشور بود (Walterscheid, 1976: 13).

۱. برخی اصطلاحات همچون اصطلاح «پلاگیارایز» (Plagiarize = سرقت آثار فکری دیگران) از بقایای ادبیات آن دوره و شکل تغییر یافته اصطلاح لاتینی رایج آن عصر یعنی «پلاگیوم» (Plagium) می باشد. (Bee, 1976: 13).

2. Edward Gibbon.

3. Decline and Fall of the Roman Empire.

4. Franchise

702, 697: 1994). به عنوان نمونه بنجامین جهانگرد اروپایی در نوشته‌های خود خاطرنشان ساخته است که در سال ۱۱۰۰، پادشاه اورشلیم در مقابل اخذ امتیاز سالانه از تولیدکنندگان پارچه که تبحر خاصی در رنگرزی پارچه داشتند، حق انحصاری استفاده از آن منسوجات را به آنها واگذار می‌نمود (Frumkin, *op. cit.* p. 15). در سال ۱۲۳۶، هنری سوم پادشاه انگلستان^۱ به «بونافوسس دو سانتا کولومبا»^۲ شهردار منطقه بوردو فرانسه، حق ویژه‌ای به مدت چهارده سال برای استفاده انحصاری از تکنیک ناشناخته رنگرزی آن زمان در قلمرو انگلستان اعطا نمود (BUGBEE, *op. cit.* p. 14).

از نیمه دوم قرون وسطی به بعد تجارت و صنعت روند رو به رشدی را در اروپا آغاز نمود و به موازات آن نظام حقوق مالکیت فکری، به‌ویژه در حوزه حق اختراع، توسعه بیشتری پیدا کرد. در مناطقی از اروپا که تجارت رونق بیشتری داشت، برای تشویق و حمایت از نوآوری و افزایش دانش فنی جامعه، تدابیر و راهکارهایی اندیشیده شد که البته با نظام مدرن حق اختراع امروزی از لحاظ مبنا، اهداف و کارکرد فاصله زیادی داشت (Robert, 2014: 2-7). به عنوان نمونه مردم منطقه ونیز ایتالیا، در زمره ملت‌هایی بودند که از دیرباز ضرورت ارتقا و پیشرفت فناوری را مورد توجه خویش قرار داده بودند. در سال ۱۳۳۲ حکومت ونیز به مهندس مخترعی به نام «بارتولومئو ورد»^۳ وام دوازده‌ساله‌ای را در مقابل تعهد او مبنی بر ساخت و گسترش آسیاب‌های بادی منطقه ونیز اعطا نمود (BUGBEE, *op. cit.* p. 15). اصل این اختراع قبلاً در کشورهای دیگری به وجود آمده بود و حکومت آن وقت درصدد بود این فناوری را با این شیوه به ونیز وارد سازد.

در آن زمان مخترعان که از لحاظ حقوقی و قانونی از سوی دولت حمایت نمی‌شدند، به دلیل هراسی که از افشای اطلاعات مربوط به اختراعاتشان داشتند، تلاش وافر را برای مخفی نمودن دانش فنی خود به عمل می‌آوردند و چه بسا معلومات خود را بدون اینکه به دیگران منتقل سازند، با خود به گور می‌بردند (Frank, 1944: 109-111). بدیهی بود این کار سبب

-
1. Henry III.
 2. Bonafusus de Santa Columba.
 3. Bartolomeo Verde.

رکود و عدم پیشرفت سطح دانش و آگاهی فنی جامعه می‌شد. حاکمان آن عصر به منظور چاره‌اندیشی، مقررات و دستورالعمل‌هایی را جهت تشویق مخترعان و صنعتگران برای افزایش اطلاعات و معلوماتشان صادر نمودند. بدین منظور برای حل مشکل یادشده از سیستم ترکیبی «اختیارات»،^۱ «امتیازات پادشاهی»^۲ و «انحصارات»^۳ استفاده شد (Ibid). شرح این سیستم پیچیده نیازمند توضیحات زیر است:

۱. سیستم «اختیارات پادشاهی»: به طور کلی پادشاه به عنوان شخص اول مملکت اختیارات گسترده‌ای جهت اعمال حاکمیت خود داشت. این اختیارات که عموماً در جهت حفظ و رعایت مصالح عمومی جامعه بود، شامل مواردی همچون اعلام جنگ و صلح، اعلام وضعیت اضطراری در کشور، دستور جمع‌آوری عوارض و مالیات و تأسیس دادگاه‌های عمومی بود. علاوه بر این، وی در قبال کارها و اقدامات خود از مصونیت^۴ کامل برخوردار بود. همچنین پادشاه می‌توانست به صورت موردی برای اشخاصی خاص، احکام و امتیازات ویژه‌ای موسوم به «پری وی لج» در نظر بگیرد. به مجموعه این اختیارات، مصونیت‌ها و توانایی اعطای امتیازات، اصطلاحاً «اختیارات انحصاری پادشاهی»^۵ گفته می‌شد.

۲. سیستم امتیاز: همان‌طور که گذشت، یکی از اختیارات انحصاری پادشاه، امکان اعطای «امتیاز به اشخاص خاص» بود. از لحاظ ریشه لغوی، اصطلاح «Privilege» ترکیبی از دو لفظ «Private» و «Law» یا «Private Law» در لاتین است که به معنای «قانون ویژه شخص خاص» می‌باشد. به موجب این سیستم، پادشاه می‌توانست به صورت موردی برای برخی اشخاص مقرراتی خاص وضع کند و برای آنها امتیازات ویژه‌ای را در نظر بگیرد. این مقرره‌ها بیشتر در جهت حفظ مصالح عمومی جامعه بود. به عنوان نمونه، تلاش پادشاه جهت انتقال فناوری‌های نو به داخل کشور موجب افزایش دانش فنی جامعه می‌شد که برای این کار،

-
1. Prerogative.
 2. Privilege.
 3. Monopoly.
 4. Immunity.
 5. Royal Prerogative.

پادشاه امتیازات و مقررات خاصی برای بعضی از بازرگانان خارجی وضع نموده بود و قدرت پادشاهی خود را برای حمایت از آنها اعمال می‌نمود. یکی از این امتیازات، وضع قانون «منوپولی» بود که ذیلاً به آن اشاره می‌شود.

۳. **سیستم منوپولی:** «منوپولی» به معنای «انحصار در خرید و فروش» و به دیگر سخن، انحصار تجارت کالایی خاص و کنترل تجاری آن در دست اشخاص معین است. یکی از امتیازات مهم اعطایی پادشاه به مخترعان و بازرگانان خارجی در اواخر دوره رنسانس، وضع این مقرره بود که بر اساس آن کنترل تجاری کالاهای جدید اختراع شده یا کالاهای جدید وارداتی به صورت انحصاری در اختیار آنها قرار می‌گرفت.

در کشور انگلستان، قدیمی‌ترین شکل اعطای امتیاز به مخترعان شباهت زیادی به دیگر امتیازات پادشاهی داشت که به تاجر جهت کنترل و مدیریت انحصاری تجارت در یک منطقه خاص داده می‌شد. در این کشور، سه نوع امتیاز نامه پادشاهی وجود داشت:

۱. امتیازنامه سلطنتی، موسوم به «رویال چارتر»^۲

۲. امتیازنامه رسمی بسته و مهروموم شده^۳

۳. امتیازنامه رسمی سرگشاده و باز، موسوم به «پاتنت»^۴

امتیازنامه‌های مهروموم شده (نوع دوم) در جاهایی استفاده می‌شد که هدف، آموزش و اطلاع‌رسانی به اشخاص خاص و محدود بود، در حالی که هدف از صدور «امتیازنامه سرگشاده (یا پاتنت)» آموزش و آگاهی دادن عموم نسبت به محتوای نامه بود. اختراعات و نوآوری‌های صنعتی در انگلیس، مانند دیگر مناطق اروپا، غالباً توسط دو گروه انجام می‌شد:

گروه اول صنعتگران خارجی بودند که از کشورهای دیگر مهاجرت کرده و دانش فنی موجود در آن کشورها را با خود به همراه می‌آوردند. گروه دوم صنعتگران داخلی بودند که در قالب

1. Monopoly.
2. Royal Charter.
3. Letters Close.
4. Letters Patent.

تشکیلات منسجم و سازمان یافته تخصصی موسوم به «اصناف» یا «گیلدها»^۱ به فعالیت می‌پرداختند (Devaiah, 2004).

فلسفه اولیه حمایت از این دو دسته صنعتگران، از یک سو تشویق صنعتگران خارجی به انتقال فناوری از خارج به داخل کشور، و از سوی دیگر ترغیب صاحبان صنایع داخلی به ایجاد نوآوری‌های بیشتر و افزایش خلق آثار مفید کاربردی برای جامعه بود. یکی از اولین امتیازهای پادشاهی ثبت شده در تاریخ حق اختراع، امتیازنامه‌ای است که پادشاه ونیز در سال ۱۳۲۳ به آقای «جوهانس توتونیکس»^۲ به جهت اختراع یک نوع دستگاه گندم آسیاب‌کن اعطا نمود (Granstrand, op. cit.). در انگلستان نیز در سال ۱۳۲۴، پادشاه ادوارد دوم به منظور ترغیب مهاجرت معدنچی‌های آلمانی به انگلیس و انتقال فناوری استخراج معدن به داخل کشور، امتیازی انحصاری برای آنها برقرار ساخت (DRUID Summer Conference 2003 on Creating, Sharing And Transferring Knowledge).

وانگهی، به نظر بسیاری از تاریخ‌نویسان، ریشه تاریخی حقوق مالکیت فکری در حوزه حق اختراع به اواخر دوران قرون وسطی - یعنی نیمه اول قرن چهاردهم میلادی - باز می‌گردد (A History of Patents and the Basis for Claim Construction). در سال ۱۳۳۱، پادشاه انگلستان ادوارد سوم، ورقه‌ای موسوم به «امتیازنامه پاتنت» را به صنعتگر بافنده خارجی اهل منطقه فلاندورز به نام جان کمپ^۳ اعطا نمود. (David, 1992: 23) این حق بدین سبب به او داده شد که در آن سال‌ها، پادشاه، شهروندان انگلیسی را از خرید لباس‌های خارجی منع کرده بود تا صنایع داخلی نساجی رونق بگیرد. اما فقدان تخصص و دانش کافی در داخل انگلستان از یک سو و وجود دانش فنی نساجی در خارج کشور از سوی دیگر، پادشاه را بر آن داشت که به منظور انتقال تکنولوژی نساجی از خارج مرزها به داخل انگلستان، به طور استثنایی مجوز ورود کالاهای خارجی را به صنعتگران خارجی بدهد. از این رو در سال ۱۳۳۱ امتیازنامه

1. Guilds.
2. Johannes Teuthonicus.
3. John Kempe.

پاتنت به آقای «جان کمپ» داده شد؛ البته مشروط به اینکه وی نیز متعهد شود حرفه خود را به شهروندان صنعتگر انگلیسی آموزش داده و این دانش جدید فنی را به آنها منتقل نماید (A History of Patents, The Basic for Claim Construction). پنج سال بعد، یعنی در سال ۱۳۳۶، بار دیگر به دو نفر از صنعتگران بافنده منطقه برانانت بلژیک، این امتیازنامه اعطا شد که بر اساس آن، اجازه یافتند در شهر یورک انگلستان اقامت گزیده و به تجارت منسوجات خود بپردازند.^۱ مشابه این عمل در سال ۱۳۶۸ در مورد سازندگان ساعت که اهل دلفت^۲ هلند بودند اتفاق افتاد. گفتنی است که انگلستان در آن تاریخ، در مقایسه با دیگر کشورهای اروپایی از لحاظ فنی و تکنیکی بسیار عقب مانده بود و به شدت نیازمند ورود فناوری‌های روز و کسب دانش فنی از دیگر کشورها بود (Federico, 1929: 293-95).

در سال‌های آخر قرون وسطی و به عبارتی در آغاز دوره رنسانس، فرانشیز اعطایی رواج بیشتری پیدا کرد. مثلاً در ایتالیا، در سال ۱۴۰۹ پادشاه فلورانس مشکل کمبود نخ‌های پشمی را با اعطای امتیاز انحصاری تولید این گونه نخ‌ها به صنعتگر خارجی اهل میلان به نام «گوئرینوس دومرا»^۳ حل نمود، مشروط بر اینکه وی نیز در مقابل، شیوه ساخت نخ پشمی را به صنف (یا گیلد) صنعتگران فلورانس آموزش دهد (Frumkin, *op. cit.* p.15). در فرانسه نیز در زمان پادشاه «هنری دوم»^۴ وی به آقای ابل فولون^۵ مخترع دستگاه مسافت‌یاب، امتیازی انحصاری اعطا نمود.

امتیازات انحصاری اعطایی در این دوره این ویژگی را داشتند که مخترع مجبور بود شرحی کامل از اختراع خود ارائه دهد تا دیگران بتوانند بعد از انقضا مدت مذکور در امتیازنامه، آن را

-
1. <http://www.compilerpress.atfreeweb.com/Anno%20David%20Evolution%20of%20IP%20Institutions%201992.htm>.
 2. Delft.
 3. Guerinus de Mera.
 4. Henry II.
 5. Abel Foullon.

بدون نیاز به کسب اجازه، مورد استفاده خود قرار دهند و از دانش فنی آن برای ساخت دستگاه‌هایی برای اهداف انتفاعی خویش بهره بگیرند (Klitzke, *op. cit.* p. 620). در یک جمع‌بندی می‌توان به این نتیجه رسید که امتیازات اعطایی فرانشیز در این دوره با نظام مدرن حق اختراع، از لحاظ مبنا، هدف، نحوه حمایت و بسیاری جهات دیگر متفاوت بوده است.

۴. دوره رنسانس و اولین قانون حق اختراع در جهان (قرن چهاردهم تا شانزدهم میلادی)

اولین امتیازنامه اختراع (پاتنت) به معنای واقعی خود در دوره رنسانس، در ایتالیا صادر شد. نخستین قانون موضوعه اختراع نیز در این دوره به وجود آمد. اولین ورقه واقعی اختراع در سال ۱۴۲۱ در فلورانس ایتالیا صادر شد. این امتیازنامه برای مهندس برجسته‌ای به نام «فیلیپو برانلس چی»^۱ به علت اختراع کشتی که توانایی حمل اشیاء سنگین همچون سنگ مرمر^۲ را داشت صادر شد (Frumkin, *op. cit.* p. 144). اولین قانون حق اختراع نیز در ونیز ایتالیا در سال ۱۴۷۴ با تلاش گسترده اعضای صنف (یا گیلد) صنعتی آن منطقه وضع گردید (Drahoš, 2000: 3).

همان‌طور که گذشت، یکی دیگر از اهداف اولیه حمایت از مخترعان، تشویق صنعتگران داخلی به نوآوری و خلاقیت بیشتر بود. امتیازات انحصاری اختراع و نوآوری که ابتدا به مهاجران کشورهای خارجی داده شد، به تدریج جای خود را به اعطای امتیاز به صنعتگران و تجار داخلی داد. اما حکومت از مخترع و صنعتگر به صورت انفرادی و شخصی حمایت نمی‌کرد، بلکه صنف صنعتگران را به صورت جمعی و گروهی مورد حمایت قرار می‌داد و امتیازات انحصاری اختراع فقط به اصناف (موسوم به گیلدها) اعطا می‌شد (Stapleton, 2002: 46). با وضع قانون

1. Filippo Brunelleschi.

۲. این کشتی توانست سنگ‌های مرمر بسیار سنگین کاراران (Carraran) که برای ساخت کلیسای مشهور فلورانس مورد نیاز بود و تا آن زمان هیچ کشتی قادر به حمل آنها نبود، از خارج بارگیری نموده و آن را به مقصد فلورانس حمل نماید.

۱۴۷۴، این امتیازات گروهی عمومیت یافت و تبدیل به امتیازات فردی شد و شامل هر فرد مخترعی بدون ملاحظه عضویت او در گیلدها گردید. در اینجا جای طرح این سؤال است که دلایل وضع اولین قانون حق اختراع در ونیز چه بود؟ در واقع چه عواملی سبب شد اعضای مخترع گیلدهای ونیز سعی فراوانی در الزام حکومت به تصویب این قانون داشته باشند؟ همچنین چرا ونیز پیشگام تصویب اولین قانون شد؟

با توجه به نقش برجسته گیلدها در نوآوری‌های صنعتی و رونق و توسعه تجارت و صنعت در آن دوره، لازم است ابتدا جایگاه این گروه اجتماعی در ساختار اجتماعی آن روز و امتیازات انحصاری آنها در فعالیت‌ها و نوآوری‌های صنعتی را با تفصیل بیشتری بیان کنیم، سپس علل وضع اولین قانون موضوعه حق اختراع ونیز در سال ۱۴۷۴ را بررسی نماییم.

۴.۱. گیلدهای صنعتی اروپا و امتیازات انحصاری سلطنتی ناشی از اختراعات صنعتی

۴.۱.۱. گیلدهای ایتالیا

جمهوری‌های ایتالیا، به‌ویژه جمهوری ونیز و فلورانس، از جمله مناطق مرفه و متمدن اروپا در قرن پانزدهم بودند که به موازات غنای اقتصادی، غنای فکری و علمی پیدا نموده بودند. شهروندان ونیزی به لحاظ اینکه آثار علمی یونانیان به‌وفور در دسترسشان بود و بازرگانان و صنعتگران هم به زبان یونانی تسلط داشتند، علم و دانش در سرزمین‌شان در مقایسه با دیگر مناطق رشد چشمگیرتری داشت (Norwich, 1986:280). اشخاص در جامعه شهری جمهوری‌های ایتالیا در سه طبقه اجتماعی قرار داشتند. طبقه اول گروه «اشراف و بزرگان حکومت»^۱ و طبقه دوم «گروه صنعتگران و بازرگانان»^۲ بود که به ترتیب دو و پنج درصد جمعیت جامعه آن روز را تشکیل می‌دادند. طبقه دوم در گروه اصناف یا گیلدها قرار داشتند که هر دسته از آنها بر اساس نوع شغل و نزدیکی جغرافیایی محل اقامتشان، به گیلدهای متنوعی تقسیم شده

1. Patriciate.

2. Cittadini.

بودند. اما بیشتر افراد جامعه، در طبقه سوم، یعنی طبقه پاپالو^۱ قرار داشتند که مردم حقیر یا «کثافت‌ها»^۲ نامیده می‌شدند.

مهم‌ترین شاخه اقتصاد فلورانس صنعت و تجارت منسوجات پشمی بود که گردانندگان آن در گیلد تولیدکنندگان منسوجات پشمی عضویت داشتند (Edgcumbe, 1906, pp). در خارج از گیلد، حدود نه هزار کارگر در این صنعت اشتغال داشتند که تولیدکنندگان واقعی بودند. این افراد مردان و زنانی بودند که در خانه‌هایشان کار می‌کردند. تجار و سرمایه‌دارانی که «صاحب‌کار» خوانده می‌شدند، ابزار کار را در اختیار آنان می‌گذاشتند و بر اساس تعداد البسه تولیدشده، دستمزدشان را پرداخت می‌کردند (Britannica CD 1998; Britannica, 1977, vol. II: 943).

هر صنعتگر ونیزی الزاماً باید متناسب با نوع صنف خود، عضو یکی از این اصناف می‌گشت؛ اصنافی که هم به عنوان یک واحد اداری و اجتماعی عمل می‌نمودند، و هم خواسته‌های خود را بر اعضایشان تحمیل می‌کردند. نقش اصلی گیلدها تأمین امنیت مرزهای صنف بود. آنان نه تنها سبب نابودی یا کاهش انگیزه‌ها در نوآوری نمی‌شدند، بلکه بر عکس، رقابت بین اعضایشان را تشویق می‌نمودند. این گیلدها که تنوع زیادی هم داشتند، در سرتاسر جمهوری‌های ایتالیا فعال بودند و هدف اصلی آنها هدایت، تنظیم رفتار و عملکرد صنعت و تجارت بود. از جمله اقدامات مهم این گیلدها، وضع مقرراتی بود که به موجب آن، حقوق انحصاری کوتاه‌مدتی را برای نوآوران و مخترعان در نظر می‌گرفتند. این کار ابتدا در صنف ابریشم‌بافان آغاز شد و شامل حمایت از ایجاد طرح‌های جدید ابریشم‌بافی و اختراع ماشین‌آلات جدید در این حوزه بود و سپس به دیگر صنایع توسعه پیدا کرد (Long, 1991: 846 870).

۴.۱.۲. گیلدهای انگلستان

با ظهور نظام صنفی در انگلستان، منوپولی گروهی پا به عرصه وجود گذاشت. این اصناف امتیاز انحصاری فروش کالاهای معین در قلمروی خاص را از پادشاه دریافت می‌کردند. افراد

1. Popolo Minuto.

2. Ciompi.

خارج از این صنف، حق تجارت در آن منطقه را نداشتند. مشابه این وضعیت در مورد گیلدهای صنعتی صادق بود. این منوپولی مقبولیت عمومی داشت؛ زیرا منجر به تولید محصولات با کیفیت بالا و قیمت مناسب می‌شد. این اصناف از نظر ساختاری زیر نظر شهردار شهر بودند. قیمت کالاها، مزد کارگر و شرایط کار، همگی توسط گیلد معین می‌شد. ضعف این گیلدها محلی بودن آنها بود که به همه قلمرو انگلستان اعمال نمی‌شد. حتی اگر صنف مشابهی در شهرهای دیگر انگلستان بود، با هم ارتباطی نداشتند و در یک مجموعه واحد فعالیت نمی‌کردند. این امر مانعی برای رشد و توسعه ملی، به‌ویژه با توجه به رشد و گسترش بخش‌های صنعتی و مانعی برای رونق تجارت به حساب می‌آمد. جالب است بدانیم که پادشاه بابت اختراعاتی که از قبل موجود بوده و شخص مخترع فقط پیشرفت و اصلاحاتی جدید در آن ایجاد کرده بود، هیچ امتیازی اعطا نمی‌کرد. مثلاً شاه بیرکوت^۱ از اعطای امتیازنامه برای شیوه جدید ذوب سنگ معدن سرب خودداری کرد؛ زیرا فقط پیشرفتی در زمینه نحوه ذوب سنگ معدن به حساب می‌آمد و نه اختراعی کاملاً جدید. این شیوه تا قرن‌ها ادامه داشت. بنابراین امتیازنامه‌های اختراع فقط به اختراعات جدید و ناشناخته در قلمرو پادشاهی انگلیس یا صنایع جدیدی تعلق می‌گرفت که از خارج وارد انگلستان می‌شد.^۲

در انگلستان هم پادشاهان آن کشور مانند دیگر شاهان اروپا، برای کنترل تجارت و صنعت، حقوق انحصاری ویژه (منوپولی) را به گیلدها و اصناف صنعتی اعطا می‌نمودند. پارلمان انگلیس بر خلاف اصول کامن لا که به‌شدت با منوپولی مخالفت می‌نمود، با وضع قوانین انحصاری از گیلدها حمایت مؤثری به عمل می‌آورد. در زمان ادوارد سوم، مجوزهای انحصاری، ابتدا به خارجی‌ها داده می‌شد، اما این عمل به تدریج جای خود را به اعطای امتیازنامه اختراع به گیلدها در زمان الیزابت اول داد. در واقع زمان الیزابت اول را می‌توان دوران شکوفایی اعطای امتیازات انحصاری پادشاه به گیلدهای انگلیس به حساب آورد (Hulme, 1896: 67).

1. Bircot.

2. <http://altlawforum.org/publications/a-history-of-patent-law> / [Accessed 20/10/2015].

۴.۱.۳. دلایل وضع اولین قانون موضوعه حق اختراع جهان در ونیز در سال ۱۴۷۴

مخترعان منطقه ونیز برای حمایت شدن چند راه پیش روی خود داشتند: یا باید با اعضای دولت که غالباً از همان طبقه اول بودند قرارداد حمایت از اختراعاتشان را می‌بستند که به علت ثابت نبودن و تزلزل پست دولتی افراد در طبقه اول، امکان انعقاد قراردادهای خصوصی طولانی‌مدت با آنها فراهم نبود. راه دیگر این بود که به عضویت گیلدها درآیند و از طریق صنفی مورد حمایت قرار گیرند که این کار تا قبل از تصویب اولین قانون اختراع ۱۴۷۴ انجام می‌شد. اما وضعیت و جایگاه اجتماعی گیلدها در مناطق مختلف اروپا یکسان نبود. به عنوان نمونه با اینکه گیلدهای فلورانس انسجام و قدرت ساختاری و اجرایی بالایی داشتند، اما ساختار درون گیلدهای ونیزی ضعیف بود و اعضای گیلدها نمی‌توانستند از طریق گیلدهایشان تضمین کافی جهت حمایت از اختراعاتشان داشته باشند. بنابراین فقط یک راه باقی مانده بود و آن تحت فشار قرار دادن دولت جهت وضع قوانین عام‌الشمول و ثابتی بود که بتواند به صورت پایدار از حقوق آنها حمایت نماید. این قوانین نه‌تنها برای اعضای مخترع گیلدها (طبقه سوم)، بلکه برای بازرگانان طبقه دوم نیز سودمند بود و منافع اقتصادی آنان با نوآوری مخترعان بهبود بیشتری می‌یافت؛ چراکه بدین وسیله کالاهای بیشتری تولید گشته و در نتیجه امکان فروش کالاهای تجاری بیشتری فراهم می‌شد (Albert, 2006: 8-12).

اما گیلدهای فلورانس که از قدرت اجتماعی مناسبی برخوردار بودند، با صرف هزینه کمتری در مقایسه با وضع قوانین، می‌توانستند مخترعان را تحت حمایت خود قرار دهند. عضویت در یک گیلد تضمین مناسبی برای مخترعان جهت حمایت از اختراعاتشان بود. از این رو آنها نیازی به وضع قانون عام حق اختراع نداشتند. با مقایسه وضعیت ونیز و فلورانس، فلسفه وضع قانون ۱۴۷۴ توسط ونیزی‌ها به خوبی معلوم می‌شود: مخترعان ونیزی به دلیل اینکه قانون ثابت و موضوعه را مطمئن‌ترین و یگانه راه حل تضمین‌شده جهت حمایت از خود می‌دانستند، این راه را برگزیده و سرانجام با تلاش فراوان توانستند حکومت را مجبور به وضع اولین قانون حق اختراع در سال ۱۴۷۴ نمایند (Nard, 2007, pp8-9).

از ابتدای قرن پانزدهم تا سال تصویب اولین قانون حق اختراع در سال ۱۴۷۴، امتیازنامه‌های زیادی به صورت موردی در ونیز، به مانند دیگر شهرهای ایتالیا صادر شده بود. طبق تحقیق

برخی از محققان (Bugbee)، فقط بین سال‌های ۱۴۱۶ تا ۱۴۷۲ بیش از ۱۳۰ عدد امتیازنامه صادر شد که بسیاری از ویژگی‌های مهم امتیازنامه‌های مدرن امروزی، همچون لزوم افشای اطلاعات و ارائه توضیحات مربوط به جزئیات اختراع در آن لحاظ شده بود.

حال جای طرح این سؤال است که چرا این نظام موردی و خاص، مشابه نظام مدرن حق اختراع، تبدیل به قانون موضوعه حق اختراع شد؟ به علاوه چرا این واقعه در جمهوری ونیز ایتالیا، آن هم در قرن پانزدهم میلادی اتفاق افتاد؟

برخی پژوهشگران در پاسخ به پرسش اول دو دلیل زیر را اقامه نموده‌اند (Nard & Morriss, 2004: 9):

الف) تجربه جمهوری‌های مستقل ایتالیا در صدور موفقیت‌آمیز امتیازنامه‌های حق اختراع که شبیه نظام مدرن حق اختراع بود، در حوزه‌های مختلف معدن، آب، بافندگی و غیره به تدریج زمینه را برای برقراری و پذیرش «نظام قانونمند کلی حق انحصاری برای مخترعان» فراهم نمود و آن را به یک نهاد «عموم آشنا» تبدیل ساخت.

ب) گیلدها که در اصل مسئولیت تقسیم و هدایت صنعت و تجارت را در ونیز بر عهده داشتند، در عمل قدرت این را نداشتند که با وضع مقررات داخلی و اعطای حق انحصاری به اعضای خود، حمایت از مخترعان را تضمین نمایند. بنابراین مخترعان به مقامات دولتی و پارلمانی پناه آورده و این چنین شد که با وضع اولین قانون موضوعه حق اختراع، ونیز پیشگام و طلایه‌دار نظام قانون مدرن حق اختراع شد.

در پاسخ به پرسش دوم گفته شده است (Loc. cit.) که قبل از تصویب این قانون، به علت آشنایی کامل مردم با نظام حق امتیاز موردی اختراع که شباهت زیادی با قانون عام حق اختراع داشت، زمینه و آمادگی مردم برای پذیرش این قانون بیش از پیش مهیا گشت و در واقع بعد از جا افتادن کامل مفهوم حقوق فکری در حوزه حق اختراع نزد عموم مردم، امکان پذیرش قوانین مربوطه فراهم گشت. به علاوه وضعیت اقتصادی، فرهنگی و علمی جمهوری‌های ایتالیا، به‌ویژه شهر ونیز سبب رشد و توسعه تجارت و صنعت گردید که نتیجه آن افزایش اختراعات و نوآوری‌های صنعتی بود؛ زیرا ونیز شهر ثروتمند و از لحاظ اقتصادی بسیار مدرن و قدرتمند بود و

به موازات آن، از لحاظ سطح دانش و علم نیز قوی بود. آثار یونانیان به طور گسترده در دسترس آنان بود و بازرگانان و تجار به زبان یونانی صحبت می‌کردند. از دانشمندان و مخترعان خارجی به‌خوبی استقبال می‌شد. علاوه بر این موارد، وضعیت صنعت تکثیر کتاب در ونیز بسیار عالی بود؛ به طوری که نصف کتاب‌های تکثیرشده در اروپا تا قبل از قرن پانزدهم، به ونیز تعلق داشت. سطح تحصیلات و آموزش ونیزی‌ها بالا بود. البته در آن زمان ابتدا ونیز و سپس فلورانس در رأس قرار داشت؛ اما با گسترش قلمرو ونیز، این جمهوری گوی سبقت را از جمهوری‌های دیگر ربود و مرکز اصلی فعالیت‌های خلاقانه شد.

به طور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که عوامل زیر دلیل وضع اولین قانون حق اختراع در ونیز در قرن پانزدهم می‌باشد:

الف) قدرت دولت؛

ب) ضعف اصناف یا گیلدها؛

ج) آشنایی کامل و پذیرش تدریجی مفهوم حق اختراع به عنوان یک نهاد ضروری برای جامعه در آن دوره؛

د) رشد تجارت و صنعت در ایتالیا در قرن پانزدهم (دوره رنسانس ایتالیایی).

با تغییر نظام حمایت موردی شخصی از مخترع از طریق انعقاد قرارداد میان مخترع و مقامات اجرایی دولت به یک نظام بوروکراسی منظم و قانونمند، ونیز شیوه‌ای پایدار برای حمایت از منوپولی به وجود آورد که هم برای مخترعان - که در طبقه سوم جامعه قرار داشتند - و هم برای جامعه بازرگانان - که در طبقه دوم جامعه بودند - مفید بود (Loc. cit.).

۴.۱.۴. اولین قانون حق اختراع و ویژگی‌های آن (قانون ۱۴۷۴ ونیز)

همان‌طور که گذشت، فعالیت گیلدها و نیز وجود مقررات داخلی حمایت‌کننده مخترعان، منجر به تصویب اولین قانون موضوعه کلی در حوزه اختراعات در ۱۹ مارس ۱۴۷۴ در جمهوری ونیز شد که درصدد تشویق به نوآوری صنعتی و فنی از طریق صدور مجوزنامه‌های اختراع و مجوزهای وارداتی (فرانشیز) بود. در این قانون آمده است:

«مجلس به منظور تشویق افراد به خلق اختراعات و انجام ابتکارات مفید برای جامعه، برای هر کس که وسیله ابتکاری جدیدی را به وجود آورد که تاکنون در آن شهر و در آن منطقه خلق نشده است، مجوزی را صادر خواهد کرد که به صورت انحصاری حق بهره‌برداری را برای او به مدت ده سال برقرار می‌سازد و وی حق انتقال این مجوز را به دیگران نیز دارد. در صورت نقض این حق امتیاز انحصاری، مخترع حق احضار متخلف را به دادگاه خواهد داشت و او باید علاوه بر پرداخت خسارات صاحب حق، وسایل و ابزار فوق را نابود سازد» (Gilfillan, 1964: 87).

جالب اینکه همان شرایط قانونی که در قانون ونیز ذکر شده بود، تقریباً سیصد سال بعد در اولین قانون حق اختراع ایالات متحده آمریکا در سال ۱۷۹۰ و قوانین بعدی آن گنجانده شد؛ شروطی از قبیل مفید، کاربردی^۱ و جدید بودن^۲ و بدیهی نبودن^۳ همچنین محدود بودن مدت حمایت (مثلاً ده سال)، مجوزهای اجباری^۴ لزوم ثبت اثر اختراعی و نیز پیش‌بینی ضمانت نقض حقوق انحصاری و تخلف‌های ناقضان حقوق از راه جبران خسارت که در این قانون پیش‌بینی شده بود، همگی در قوانین مدرن حق اختراع نیز گنجانده شده‌اند (Kaufer, 1989:28). قانون ۱۴۷۴ و نیز اساس و پایه نظام بین‌المللی حق اختراع را بنا نهاد (Mandich, 1948: 176-177) و به قول یکی از مورخان، قانون بین‌المللی حق اختراع (کنوانسیون پاریس ۱۸۸۳) بعد از حدود پانصد سال از وضع اولین قانون اختراعات، در واقع نسخه اصلاح‌شده و پیشرفته‌تری از قانون مذکور محسوب می‌شود. این قانون که موفقیت قابل توجهی به دست آورده بود، سبب صدور امتیازنامه‌های بسیاری در ونیز شد؛ به طوری که تا نیمه اول قرن شانزدهم، تعداد امتیازنامه‌های حق اختراع صادرشده در آن منطقه با کل ورقه‌های حق اختراع ثبت‌شده در دهه اول ۱۹۵۰ آمریکا برابر بود (Macleod, 1988: 11). کشف کارایی این قانون، دیگر دولت‌های اروپایی را ترغیب نمود از نظام حق اختراع ایتالیا تقلید نمایند. از این رو این نظام به سرعت در

-
1. Utility.
 2. Novelty.
 3. Ingenious Device(non-Obviousness).
 4. Compulsory Licenses.

سراسر اروپا گسترش یافت که البته مهاجرت هنرمندان و صنعتگران ونیزی به سایر کشورها نقش مؤثری در معرفی و اشاعه این نظام به دیگر ملل اروپایی داشت. در نتیجه، همان نظام ونیزی تا قبل از سال ۱۶۰۰ در همه جا، از جمله فرانسه، آلمان، هلند و انگلستان گسترش یافت (Walterscheid, *op. cit.* p. 711; see also, Pohlmann, 1999: 121, 122). از میان این کشورها، انگلستان نظام حق اختراع خود را توسعه زیادی داد. حتی برخی معتقدند که انگلیس قبل از قرن پانزده میلادی امتیازنامه‌های متعددی بابت اختراعات جدید صادر کرده است، بدون اینکه از نظام ونیزی تأثیر گرفته باشد.^۱ در ادامه به وضعیت حق اختراع در انگلیس می‌پردازیم.

۵. انگلیس از قرن شانزده تا اولین قانون ضد انحصار (منوپولی) در سال ۱۶۲۴

به نظر می‌رسد بهترین بستر تاریخی برای پیگیری مباحث مربوط به مبانی حق اختراع، پرونده‌های حقوقی ضد انحصار در اوایل قرن هفده^۲ و نیز تاریخچه مراحل تصویب قانون ضد انحصار ۱۶۲۴ باشد که در آن حق اختراع مخترعان به عنوان استثنایی بر اصل ممنوعیت منوپولی به رسمیت شناخته شد (Drahos: 22) که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

ییزابت پادشاه انگلیس^۳ در ابتدای دوره پادشاهی‌اش، مانند پادشاهان قبل از خود در تلاش بود با ورود کالاهای جدید خارجی به داخل کشور توسط مهاجران خارجی و انتقال دانش فنی ساخت آن به صنعتگران داخلی، تجارت و صنایع داخلی را پررونق سازد. به نظر او این کار سبب افزایش درآمدها و افزایش قدرت کشور در مقایسه با دیگر کشورها می‌شد و برای این کار امتیازات خاص انحصاری فراوانی موسوم به فرانشیز به خارجی‌ها اعطا نمود (Bugbee, *op. cit.* p. 30). صنعتگران خارجی مجبور بودند در قبال دریافت این امتیازات، تکنولوژی نحوه ساخت آن کالاها را به صنعتگران داخلی آموزش دهند. البته پادشاه مبلغی را در مقابل واگذاری امتیاز به خارجی‌ها از آنها دریافت می‌نمود و به خزانه واریز می‌کرد. این گونه امتیازات انحصاری

1. <http://www.djstein.com/IP/Files/HistoryConstruction.doc>.

2. Case of Monopolies.

۳. ۱۵۵۹ میلادی.

(با منوپولی‌ها) به هیچ وجه مفهوم ناخوشایندی برای عموم مردم نداشت و هیچ شاهد تاریخی وجود ندارد که نشان دهد مردم با این امتیازات صادرشده الیزابت در ابتدای دوره پادشاهی‌اش مخالفت کرده باشند (Bugbee, op. cit. p. 36). اما بی‌احتیاطی در صدور این امتیازنامه‌ها و گسترش بی‌رویه آن به موضوعات متنوع دیگر و در یک کلام، سوء استفاده از آن سبب بالا رفتن قیمت کالاها و در نتیجه افزایش نارضایتی عمومی شد. برخی تاریخ‌نگاران معتقدند که او برای افزایش پاداش به خدمتکاران و درباریان وفادارش، امتیازنامه‌های پادشاهی بیشتری صادر نمود تا در قبال اخذ حق امتیاز پادشاهی از آنان، هزینه پاداش اطرافیان خود را تأمین نماید. این امتیازنامه‌ها که در قالب نامه‌های سرگشاده‌ای (یا پاتنت) بود که با مهر بزرگ سلطنتی اعتبار یافته و مخاطب آن هم عموم مردم بودند، این قابلیت را داشت که مورد داد و ستد قرار گیرد. از این‌رو برخی صرفاً به منظور سودجویی، این امتیازنامه‌ها را دریافت می‌کردند و سپس با فروش آن به قیمت بالا، از آن سوء استفاده می‌نمودند که این عامل مهمی در افزایش قیمت کالاها بود؛ به‌ویژه اینکه موارد اعطایی مجوزها به گونه‌ای توسعه یافت که شامل کالاهای اساسی و اولیه مورد نیاز عموم مردم همچون نمک و آهن شد و افزایش قیمت در کالاهای عمومی به حدی بود که در برخی مناطق قیمت یک «باشل»^۱ (یک واحد نمک معادل ۳۶ کیلو) از ۱۶ پنی به ۱۴ تا ۱۵ شیلینگ افزایش پیدا کرد. طبق مدارک به‌جامانده از آن تاریخ، تعداد امتیازنامه‌هایی که در زمان الیزابت صادر شد، از ۵۲ عدد متجاوز گردیده بود (Rich, 1993: 239).

یکی از این موارد که جنجالی در تاریخ حق اختراع انگلستان به وجود آورد، امتیازنامه‌ای بود که به داری^۲ داده شد که به موجب آن وی حقی انحصاری ساخت و فروش کارت‌های مخصوص بازی در انگلستان را پیدا کرد. این منوپولی آن‌چنان تنفیری را در جامعه انگلیس به وجود آورد که سرانجام آتش خشم مردم ناراضی را شعله‌ور ساخت و آنها توانستند با جلب توجه نمایندگان پارلمان و فشار بر آنها، قانون ضد انحصاری را در عصر سلطنت جیمز اول^۳ (در سال

1. Bushel.
2. Darcy.
3. James I.

۱۶۲۴) به تصویب برسانند (Bracha, May 2005). پرونده داری که موسوم به «پرونده ضد انحصارات یا منوپولیز» است،^۱ نقطه عطفی در تاریخ حق اختراع به شمار می‌آید که ذیلاً به آن می‌پردازیم.

۵.۱. مروری بر پرونده تاریخی داری علیه الین^۲ در قرن شانزده

در این پرونده، داری علیه شخصی به نام الین^۳ در دادگاه اقامه دعوی نمود و خواهان احقاق حق ناشی از نقض امتیاز انحصاری شد که پادشاه به او اعطا کرده بود (Walterscheid, Spring 2000: 322). این امتیاز به علت غیرمنصفانه بودن، پارلمان را در مقابل پادشاه قرار داد؛ ولی پادشاه با عباراتی نازیبا، به آنها این چنین پاسخ داد: «جمعی از نمایندگان بی‌حیا، مغرور و گستاخ در نظر دارند شکوه و اعتبار پادشاهی‌اش را زیر سؤال برند؛ اما حق امتیاز سلطنتی موضوعی نیست که کسی جرئت تردید نسبت به اعتبار آن را به خود راه دهد» (Nachbar, October 2005: 1313-1320).

در این پرونده،^۴ داری (خواهان) مدعی بود که الین (خواننده) با فروش کارت‌های بازی، منافع اقتصادی ناشی از امتیازنامه اختراع او را ضایع کرده است. خواننده (الین) استدلال می‌کرد که امتیاز پادشاهی فقط بایستی به اختراعات جدید، آن‌هم برای مدت معین تعلق گیرد. او با اصل مشروع بودن امتیاز پادشاهی مخالفتی نداشت، اما شرط «جدید بودن اثر» را در اعطای امتیاز

1. Case of Monopolies.

2. Darcy v. Allin.

3. Allin. (also referred to as "Allen" or "Allein").

۴. خلاصه پرونده: اعطای امتیاز سلطنتی نسبت به کارت‌های بازی به ادوارد داری در سال ۱۵۹۸ امکان انحصاری ساخت و فروش کارت‌های بازی را برای او فراهم ساخته بود. شایان ذکر است این اختراع، اصلاً ابتکاری و جدید نبود؛ زیرا مشابه این امتیازنامه قبلاً برای کارت بازی آقایان بوز و بدینگ فیلد در سال ۱۵۷۶ صادر شده و مجدداً در سال ۱۵۸۸ تمدید شده بود. اما در سال ۱۵۹۸ این امتیاز برای داری به مدت دوازده سال دیگر برقرار شد. داری نیز در اعمال امتیاز انحصاری خود از هیچ کوششی فروگذار نکرد، از جمله اینکه در سال ۱۶۰۰ از هیئت مشاوران سلطنتی خواست که اقداماتی علیه ناقضان این امتیاز پادشاهی انجام دهند. آنها هم با پاسخ مثبت به این درخواست، اعلام نمودند که هر کس حق امتیاز پادشاهی را زیر پا بگذارد، بایستی روانه زندان گردد. (Bloxxam, 1957: 157-179)

لازم می‌دانست. با دقت در استدلال‌های الین درمی‌یابیم که شرایط موجود در قوانین مدرن حق اختراع، همچون نو بودن، محدود بودن مدت حمایت، مفید بودن و لزوم استفاده عملی از اختراع در استدلال‌های او دیده می‌شود. به نظر او، امتیاز پادشاهی فقط به کسی داده می‌شود که یا کالا و دانش فنی جدیدی را با خود به داخل کشور آورده باشد، یا با اتکا بر قوه هوش و ابتکار خود، اختراعی جدید را به وجود آورده باشد تا با انتقال تکنولوژی به کاررفته در آن به عموم مردم، سبب اشاعه علم در سطح جامعه گردد.^۱

استدلال‌های بسیاری از سوی وکلای خوانده (الین) برای رد حق انحصاری خواهان (داری) به دادگاه ارائه شده بود (Devaiah, op. cit. p. 45):

۱. استناد به اصل آزادی تجارت و اشتغال: بر اساس این اصل، حق انحصاری که سبب ممانعت دیگران از کار شود، مخالف منافع عمومی جامعه است و به موجب اصول ثابت کامن‌لا، همه حق انجام هر گونه تجارت در محدوده‌های قانونی را دارند.

۲. استناد به اصل ممنوعیت ایجاد اختلال‌های اقتصادی: استدلال دیگر آنها جنبه اقتصادی داشت. به نظر آنان، هدف نهایی از برقراری حق انحصاری، کسب سود شخصی برای مخترعان بود و این، تبعات و لوازم منفی را به دنبال داشت که از جمله آنها، افزایش قیمت کالاها بود. حق انحصاری یادشده سبب شده بود کسانی که قبل از اعطای حق، توانایی تجارت در آن حوزه را داشتند، به سبب برقراری این حق انحصاری از ادامه تجارت خود باز بمانند. بدیهی بود که هم قواعد کامن‌لا و هم اصول انصاف که ناشی از قوانین الهی بود، این لوازم را مردود و محکوم می‌دانستند.

۳. استناد به اصول مذهبی و اخلاقی کلیسا: بعضی استدلال‌های وکلا برگرفته از دلایلی بود که کلیسا در مخالفت با حقوق انحصاری اقامه نموده بود؛ زیرا به نظر آنان حق انحصاری به دلایل زیر با قوانین الهی در تضاد بود (Drahos: 13-14):

1. <http://www.altlawforum.org/PUBLICATIONS/document.2004-12-18.0853561257>.

الف) یکی از احکام الهی این است که همه انسان‌ها حق کار کردن دارند و این به دلیل حق حیات آنهاست؛ زیرا همه انسان‌ها حق دارند برای زنده ماندن خود کار کنند.

ب) کار انسان سبب کسب مهارت برای او می‌شود و این جزئی از طرح و نقشه خداوند است که برای حفظ حیات مخلوقات در نظر گرفته است.

ج) هر چیزی که انسان را از ادامه کار منع کند یا در کار او تداخلی ایجاد نماید، نه تنها مداخله در آزادی او به حساب می‌آید، بلکه مخالف دستورها و احکام الهی نیز خواهد بود.

د) اگر قائل به حق انحصاری و منوپولی شویم، کار دیگران باید به گونه‌ای انجام شود که با این حق انحصاری هیچ‌گونه تضادی نداشته باشد.

ه) بدیهی است این حق سبب محدود شدن و مداخله در کار دیگران خواهد شد و طبق اصل فوق، مخالفت با طرح و خواسته الهی است که به کار انسان نقش اساسی داده و حق کار کردن او را بر دیگر حقوق حاکم نموده است.

و) حق امتیاز پادشاهی هم محدود به این است که لطمه‌ای به دیگران وارد نسازد. علاوه بر استدلال‌های یادشده، کلیسا هم حق انحصاری را به دلایل مختلف زیر، سرپیچی از قوانین الهی و یک گناه بزرگ تلقی می‌نمود (LOC. cit.):

الف) حق انحصاری سبب می‌شد که اختیار تعیین قیمت کالاهای انحصار شده، در دست صاحبان این حقوق باشد و این، با اصل الهی لزوم رعایت قیمت عادلانه در تضاد بود.

ب) از آنجایی که حق انحصاری بیشتر مربوط به انحصار در فروش مواد غذایی مورد نیاز عموم مردم بود، این حق سبب احتکار و در نتیجه کمیابی این کالاها در بین مردم می‌گشت. بنابراین حق انحصاری منوپولی، رفاه عمومی را مختل می‌ساخت که این امر، با مشیت الهی در تضاد بود.

نتیجه استدلالات این شد که:

الف) مخترعان و پدیدآورندگان مستحق پاداش هستند.

ب) اصل این پاداش که با خواست و مشیت الهی سازگار است، نباید بیشتر از یک امتیاز موقت باشد؛ چراکه دوام آن سبب دخالت در مشیت الهی خواهد شد. پس اولویت مخترع فقط در حد یک امتیاز موقت خواهد بود (Drahos, *op. cit.* p 32).

در این پرونده، گرچه قاضی برجسته آقای کوک^۱ به عنوان دادستان عمومی ابتدا به نفع داری عمل نمود، اما بعدها اعلام نمود که این چنین امتیازاتی با آزادی شخص در تجارت مخالف است و طبق اصول نانوشته کامن‌لا، این گونه انحصارات به کلی باطل است؛ زیرا نه تنها به فعالان تجارت خسارت وارد می‌سازد، بلکه مشکلات دیگری همچون افزایش قیمت‌ها، کساد بازار و کسب و کار را سبب خواهد شد (Corre, 1996: 123). این استدلال‌ها علی‌رغم اهمیت‌شان، تأثیری در رأی و نتیجه پرونده نداشت؛ زیرا در این پرونده سرانجام حق انحصاری تأیید شد و به نفع داری رأی صادر شد.

بعد از این پرونده و در سال ۱۶۰۶، کمیته‌ای از پارلمان از پادشاه وقت انگلیس، جیمز اول درخواست نمود که امتیازات صادره پادشاهی را ملغی اعلام نماید. پادشاه هم تعهد داد که برخی از آن موارد را باطل سازد. جیمز اعلامیه‌ای موسوم به «بوک آو بونتی»^۲ را صادر نمود مبنی بر اینکه منوپولی مخالف قواعد و اصول اساسی کشور است، اما پادشاه این حق را بر خود محفوظ می‌دارد که برای اختراعات جدید پاداشی را در نظر بگیرد، مشروط بر اینکه سبب افزایش قیمت‌ها نشود. این اقدام پادشاه تلاشی سخت و مذبحانه جهت حفظ قدرت پادشاهی او بود. اما وی به این تعهد خود عمل نکرد و همان روال پادشاهان سابق را ادامه داد (Holdsworth, 1936: 481, 487).

پرونده «کلاس‌ورکرز آو ایپ‌سوئیچ»^۳ شروعی بر ختم امتیازات انحصاری پادشاهی بود؛ چراکه بعد از آن بود که قانون ضد انحصاری ۱۶۲۴ تصویب شد. در این پرونده دادگاه بر خلاف رأی پرونده داری اعلام کرد که پادشاه نمی‌تواند مانع حق طبیعی آزادی تجارت شخص باشد،

1. Coke.

2. Book of Bounty.

3. Clothworkers of Ipswich 1615.

مگر در سه مورد: اختراع جدید، کشف جدید، تجارت کالای جدید که فناوری را به داخل کشور منتقل کند (Walterscheid, op. cit. p. 323).

این حکم دادگاه مبناى حق اختراع را به وضوح مشخص می‌سازد:

الف) این حق سبب ورود دانش فنی جدید شود.

ب) این حق آموزش صنعتگران داخل و یادگیری آنان را سبب شود.

ج) برای اختراعاتی که نسخه اصلاح‌شده اختراعات قبلی باشد، هیچ‌گونه امتیاز انحصاری صادر نمی‌شود.

البته شایان گفتن است که در این پرونده، حق اختراع به عنوان امتیاز پادشاهی در نظر گرفته شده بود و نه حق مخترع.

در سال ۱۶۲۰ مجلس عوام انگلیس شکایت مردم از منوپولی را مورد توجه قرار داد و لایحه‌ای علیه آن پیشنهاد داد که تصویب نشد (Foster, 1960: 74-75).

۶. قرن هفدهم و اولین قانون حق اختراع انگلیس در ۱۶۲۴

امتیازات انحصاری یا منوپولی در دوره پادشاه الیزابت، منشأ سوء استفاده‌های فراوانی شده و از اهداف اولیه خود دور افتاده بود. اما قانون ضد انحصارات یا قانون منوپولیز^۱ (که از این به بعد اختصاراً «قانون ضد انحصار»، «قانون منوپولی» یا «قانون حق اختراع انگلستان» نامیده می‌شود) به این سوء استفاده‌ها خاتمه داد. قانون ضد انحصار که در سال ۱۶۲۳ تصویب و در ۱۶۲۴ به مرحله اجرا درآمد، بنیاد اساسی برای حق اختراع در انگلستان به مدت حدوداً دو قرن بود. یکی از عوامل موفقیت این قانون این بود که اصول و قواعد عرفی کامن لا در قالب قوانین موضوعه قرار گرفته بود.

این قانون تمامی امتیازات انحصاری را به استثنای یک مورد ملغی اعلام نمود. این استثنا درباره حق اختراع بود که به مدت چهارده سال حقوق انحصاری ساخت یا فروش محصولات مربوطه به هر شیوه، در قلمرو کشور برای اولین مخترع واقعی برقرار می‌شود، به گونه‌ای که

1. Statute of Monopolies.

شخص دیگری حق ساخت یا استفاده از آن اختراع را در مدت مزبور نداشت؛ البته به شرطی که این امر با اصول اولیه قوانین کشور در تضاد نباشد و سبب فساد و اختلال در نظام اقتصادی و اجتماعی کشور، همچون افزایش قیمت کالاها یا لطمه به تجارت نشود (BUGBEE, *op. cit.*) (pp. 27-28).

این قانون دارای پانزده بخش (ماده) است که بخش (ماده) شش آن استثنائات قانون و موارد مجاز حقوق انحصاری - یعنی حق اختراع - را بیان کرده است. قاضی کوک^۱ که از جمله تهیه‌کنندگان این قانون است، تفسیر مفصلی از این ماده ارائه داده است. به نظر او برای اینکه یک گواهینامه اختراع شرایط مندرج در بخش (ماده) ۶ را دارا باشد، باید واجد هفت ویژگی زیر باشد (Devaiah, *op. cit.*):

الف) مدت حق انحصاری مندرج در آن باید محدود باشد و نباید از چهارده سال متجاوز شود.
ب) گواهینامه فقط به اولین مخترع واقعی داده می‌شود. بنابراین پاداش فقط به اشخاصی تعلق می‌گیرد که نقش اساسی در ورود اختراع به کشور داشته‌اند. وی نسبت به نوع دیگر اختراعات، یعنی نوآوری‌هایی که صنعتگران داخلی با استفاده از هوش و ابتکار خود به وجود آورده‌اند، مطلبی بیان نکرده است. در مقایسه این قانون با نظام مدرن حق اختراع، می‌توان گفت که تفاوت این دو نظام در این است که در اینجا مخترع واقعی مستحق دانسته شده است، در حالی که در قانون مدرن، اولین کسی که برای ثبت اثر اقدام می‌کند، هر چند دیرتر اختراع صورت پذیرفته باشد، ذی‌حق شناخته می‌شود. البته قانون حق اختراع آمریکا نیز بر همین منوال بود و اولین کسی را که اختراع را به وجود آورده، مستحق دانسته بود.

ج) موضوع گواهینامه باید کاربرد صنعتی داشته و قبلاً مورد استفاده قرار نگرفته باشد (مشابه شرط تازگی^۲ و کاربردی بودن^۳ در نظام مدرن حق اختراع). به موجب این قانون، اعطای حق به آثاری که از قبل موجود بوده، نه تنها فایده‌ای برای اجتماع ندارد، بلکه سبب افزایش قیمت کالاها

-
1. Lord Coke.
 2. Novelty.
 3. Utility.

هم خواهد شد. «نو بودن» در این قانون فقط محدود به آنچه می‌شد که در قلمرو انگلستان در آن زمان نو به حساب می‌آمده است.

(د) این حق انحصاری نباید با قانون مخالف باشد. البته معلوم نبود که مراد کوک از مخالفت با قانون چیست؟ آیا مراد مخالفت با همین قانون ضد انحصار ۱۶۲۴ است یا مخالفت با دیگر قوانین. اما در دعوای بیرکوت^۱ وی مفهوم کاملاً متفاوتی از آن ارائه نمود. بر این اساس، عدم مخالفت با قانون نزد کوک، بدین معنا است که گواهینامه حق اختراع برای اختراعی که اصل آن از قبل موجود بوده و فقط پیشرفت و اصلاحی در آن صورت گرفته است، به هیچ وجه صادر نخواهد شد.

(ه) حق اعطایی نباید به منافع خریداران و مصرف‌کنندگان لطمه وارد سازد. به عنوان نمونه سبب افزایش قیمت کالاهای داخلی نشود. به نظر کوک، ورود صنعت جدید نبایستی سبب آزار و لطمه به مردم و مصرف‌کنندگان داخلی شود. بنابراین گواهینامه باید فقط در جایی اعطا شود که ضروری باشد و افزایش بهره‌وری و تولید را به همراه داشته باشد.

(و) اعطای این حق نباید به تجارت لطمه وارد سازد.

(ز) این حق نباید تنفر عمومی را به همراه داشته باشد و به منافع مشترک کل جامعه آسیب رساند.

دو شرط اخیر از جمله شروطی بود که در دوره حکومت الیزابت نیز برای اعطای امتیاز پادشاهی ضروری بود.

نکته قابل توجه در قانون ۱۶۲۴ و تفسیر کوک اینکه در هیچ کدام از این دو، حق اختراع به عنوان «حق ملکیت» در نظر گرفته نشده بود. بنابراین پادشاه تعهدی نداشت که گواهینامه را به عنوان حقی طبیعی به مخترع اعطا نماید، بلکه همان نظام امتیاز پادشاهی گذشته هم در این قانون مورد تأیید قرار گرفته بود. از این رو می‌بینیم اعطای گواهینامه اختراع به مدت حدوداً دو قرن از تصویب این قانون وابسته به صلاحدید پادشاه بود. البته برخی معتقدند که با تصویب

1. Bircot.

قانون ۱۶۲۴، امتیاز پادشاهی «تبدیل به حق ذاتی و طبیعی مخترع» شد؛^۱ اما هیچ دلیل محکم و شاهدهی قوی بر این ادعا وجود ندارد. فقط در اواخر قرن هجدهم بود که کامن لا این را به عنوان نوعی حق مشابه حق دینی و قابل تعقیب قضایی یا «شوز این اکشن»^۲ به رسمیت شناخت. به هر حال این قانون تأثیر شگرفی در نظام حق اختراع انگلیس و سایر کشورها گذاشت؛ به گونه‌ای که مبنا و اساس توسعه و اصلاح قوانین بعدی حق اختراع در انگلیس و دیگر کشورها گشت.

با توجه به اینکه قوانین موضوعه کشورها در بسیاری از جهات همسویی مشخص و واضحی با نظم و سیاست اقتصادی کشور دارد، قانون موضوعه حق اختراع ۱۶۲۴ هم در این راستا قابل تفسیر است. از این رو قانون موضوعه ضد انحصارات ۱۶۲۴ مبنای اصلی حق اختراع را نه بر اساس حقوق طبیعی، بلکه بر اساس اعطای حق امتیاز از طرف دولت و قانون استقرار نموده و آن را منحصر به مواردی نموده است که «رفاه عمومی» را به دنبال داشته باشد.

نتیجه

آشنایی با سابقه و ریشه‌های تاریخی موضوعات پژوهشی، به‌ویژه در پژوهش‌هایی که محور اصلی‌شان بررسی مبانی و فلسفه وجودی یک موضوع است، از اهمیت فراوانی برخوردار است. با مطالعه تاریخ موضوع، به‌خوبی می‌توان به دلایل شکل‌گیری و توسعه موضوع در طول ادوار مختلف پی برد و با آگاهی از موضع‌گیری‌های موافق و مخالف اندیشمندان پیرامون موضوع در طول دوره‌های متفاوت تاریخی، مبانی گوناگون فلسفی را به دقت از لابلای آنها کشف و استخراج نمود. همچنین با استفاده ابزاری از تاریخ با سهولت بیشتری می‌توان درستی نظریه‌های فلسفی را سنجید. فواید زیادی بر انجام مطالعات تاریخی در حوزه مالکیت فکری به‌ویژه برای شناخت مبانی مطرح شده، از جمله برای اثبات مبنای سودگرایی مالکیت فکری امریکا که بسیار مبتنی بر تحلیل‌ها و مطالعات تجربی اقتصادی در طول تاریخ است. به علاوه با کمک تاریخ، ضمن آگاهی از توجیهات

1. <http://ssrn.com/abstract=811023>[Accessed 20/10/2015].

2. Chose in Action.

اولیه فلسفی که برای تأسیس نظام حقوق مالکیت فکری ارائه شده است، آنها را با مبانی فلسفی رایج امروزی سنجیده تا ضعفها و قوت‌های این مبانی به‌خوبی آشکار گردند.

به پندار برخی نویسندگان، اوائل دوره رنسانس ایتالیا در قرن پانزدهم میلادی، آغاز دوره شناسایی حق اختراع است، اما با توجه به مطالب پیش‌گفته، می‌توان به این نتیجه رسید که سابقه آن بسی طولانی‌تر بوده و شاید بتوان گستره آن را تا قرن‌ها قبل از میلاد کشاند. مبانی اولیه حق اختراع حتی در قرون وسطی نیز به مانند امروز، ایجاد انگیزه و تشویق جهت نوآوری و نیز انتقال فناوری‌های ناشناخته به داخل کشور بود. گرچه در زمان ارشمیدس اختراعات مهمی در زمینه‌های نظامی و دریایی به وقوع پیوست و پادشاهان یونان و رم هم پیوسته مخترعان را مورد تشویق و توجه ویژه خود قرار می‌دادند، با وجود این، قوانین یونان و رم باستان هنوز تحت تأثیر عقاید ضد انحصاری ارسطو، از مخترعان و حقوق آنها هیچ‌گونه حمایت حقوقی مؤثری به عمل نمی‌آوردند. در اوایل دوران قرون وسطی نیز اروپا تحت تأثیر شدید عقاید ارسطو قرار داشت که با «هنرها و صنایع مفید جامعه مخالف بود». اما در اواسط قرون وسطی، نشانه‌های ابتدایی حمایت حقوقی از صنعتگران در برخی از کشورهای اروپایی ظاهر شد و از این زمان به بعد بود که به‌تدریج به دنبال توسعه تجارت و صنعت در بخش‌هایی از اروپا، اولین قانون مدرن حق اختراع در ونیز ایتالیا در سال ۱۴۷۴ با تلاش گسترده اعضای صنف (یا گیلد) صنعتی آن منطقه به تصویب رسید. امتیازات انحصاری اختراع که ابتدا به مهاجران کشورهای خارجی داده می‌شد، به‌تدریج جای خود را به اعطای امتیاز به صنعتگران و تجار داخلی داد. اما تا قبل از وضع قانون یادشده در ونیز، حکومت از مخترع و صنعتگر به صورت انفرادی و شخصی حمایت نمی‌کرد؛ بلکه صنف صنعتگران را به صورت جمعی و گروهی مورد حمایت قرار می‌داد و امتیازات انحصاری اختراع فقط به اصناف (موسوم به گیلدها) اعطا می‌شد که با تصویب قانون مذکور، این امتیازات گروهی تبدیل به امتیازات فردی شد.

پس از تصویب این قانون بود که این نظام به‌سرعت در سراسر اروپا گسترش یافت که البته مهاجرت هنرمندان و صنعتگران ونیزی به دیگر کشورها نقش مؤثری در معرفی و اشاعه این نظام به دیگر ملل اروپایی داشت. در نتیجه، همان نظام ونیزی تا قبل از قرن پانزدهم در همه جا از جمله

فرانسه، آلمان، هلند و انگلستان گسترش یافت. از میان این کشورها، انگلستان نظام حق اختراع خود را توسعه بیشتری داد. به نظر می‌رسد بهترین بستر تاریخی برای پیگیری مباحث مربوط به مبانی حق اختراع، پرونده‌های حقوقی ضد انحصار انگلستان در اوایل قرن هفده باشد که از جمله می‌توان به پرونده مشهور و تاریخی «داری علیه شخصی به نام الین» اشاره نمود. وکلای خوانده جهت رد حق اختراع خواهان به دلایلی همچون اصل آزادی تجارت و اشتغال، اصل ممنوعیت ایجاد اختلال‌های اقتصادی و اصول مذهبی و اخلاقی کلیسا استناد می‌نمودند. با وجود این در این پرونده سرانجام حق انحصاری مخترع تأیید شد و به نفع خواهان داری رأی صادر شد. البته در این پرونده حق اختراع به عنوان امتیاز پادشاهی در نظر گرفته شده بود و نه حق طبیعی مخترع.

نتیجه تلاش‌های مدافعان حقوق مخترعان در انگلستان، سرانجام به تصویب قانون ضد انحصار ۱۶۲۴ منجر شد که در آن حق اختراع مخترع به عنوان استثنایی بر اصل ممنوعیت منوپولی به رسمیت شناخته شد. این قانون تمامی امتیازات انحصاری را به استثنای یک مورد ملغی اعلام نمود. این استثنا درباره حق اختراع بود که به مدت چهارده سال حقوق انحصاری جهت ساخت یا فروش محصولات مربوطه به هر شیوه در قلمرو کشور برای اولین مخترع واقعی برقرار می‌شود. البته به شرطی که این امر با اصول اولیه قوانین کشور در تضاد نباشد و سبب فساد و اختلال در نظام اقتصادی و اجتماعی کشور همچون افزایش قیمت کالاها یا لطمه به تجارت نشود. همان‌طور که گفته شد، قانون موضوعه حق اختراع ۱۶۲۴ انگلستان مبنای اصلی حق اختراع را نه بر اساس حقوق طبیعی - ادعاشده از سوی حقوقدانان فرانسه - بلکه بر اساس اعطای حق امتیاز از طرف دولت می‌داند.

منابع

انگلیسی

1. Peter Drahos, A Philosophy of Intellectual Property, Dartmouth, Aldershot, Ashgate Publishing Company, (2002)
2. Adam Mossoff, (Assistant Professor of Law in Michigan State University-DCL College of Law), Rethinking the Development of Patents: An Intellectual History (Number 2), Hastings Law Journal 1255 (2001), No 52.
3. F.D. Prager, The Early Growth and Influence of Intellectual Property, 34 J. Pat. Off. Soc. SOC'Y 114, n. 17 (1952).
4. Ramon A. Klitzke , Historical Background of the English Patent. 41. J. Pat. Off. Soc. (1959).
5. Giles S Rich. The Exclusive Right Since Aristotle, Federal Circuit Bar Journal, Vol. 14 (2004).
6. Bruce W. Bugbee, The Genesis of American Patent and Copyright Law, 8 (1967).
7. Laura Ford, Monopoly as Rhetoric: The Case of Letters Patent, CASRIP Newsletter - Spring/Summer 2005, Volume 12, Issue 1, p.45.
8. Harold G. Fox, Monopolies and Patents: A Study of the History and Future of the Patent Monopoly 190 (1947).
9. M. Frumkin, The Origin of Patents, 27 J. PAT OFF. SOC'Y, (1943).
10. Bruce W. Bug Bee, The Genesis of American Patent and Copyright Law (1976).
11. J.H.W.G. Liebeschutz, The Decline and Fall of the Roman City (2003).
12. Norman f. cantory, The Civilization of the Middle Ages, HarperCollins; Revised edition (1993)

13. Edward C. Walterscheid, The Early Evolution of the United States Patent Law: Antecedents (Part 1), 76 J. PAT. & TRAD. OFF. SOC'Y (1994).
14. Prager, Frank (1944), A History of Intellectual Property from 1545 to 1787, Journal of the Patent Office Society, Vol. 26 (November).
15. Ove Granstrand, Innovation and Intellectual Property, Center for Intellectual Property Studies, Chalmers University of Technology (Sweden), Rev. version May 22, 2003.
16. Paul A. David, The evolution of IP Institutions and the Panda's Thumb, Stanford University, (1992).
17. Federico, P. J., Origin and Early History of Patents, Journal of the Patent Office Society, vol. 11, (1929).
18. Peter Drahos, The Universality of Intellectual Property Rights: Origins and Development, Queen Mary Intellectual Property Research Institute, 2000.
19. Jaime Stapleton, Intellectual Property and Creative Labour in Renaissance Venice: The Rhetorical Model, 2002.
20. "Florence", "Italy", Britannica CD 1998; Britannica, 1977, vol. II.
21. E. Wyndham Hulme, The History of the Patent System under the Prerogative and at Common Law, 12 L.Q.R. 141 (1896).
22. Christopher Albert, An Evolution of the Patent System from Royal Prerogative to the Rule of Law, European Legal History Lund University, Spring 2006..
23. Nard, Craig Allan and Morriss, Andrew P., Constitutionalizing Patents: From Venice to Philadelphia (2004).
24. Gilfillan, S.C., Invention and the Patent System, Materials Relating to Continuing Studies of Technology, Economic Growth, and the Variability of Private Investment, Joint

- Economic Committee, Congress of the United States, (Washington, D.C.: Government Printing Office). (1964) .
25. Kaufer, Erich, *The Economics of the Patent System* (Chur, Switzerland: Harwood Academic Publishers, 1989) .
26. Giulio Mandich, *Venetian Patents (1450–1550)*, 30 J. PAT. OFF. SOC'Y 166, (1948).
27. Christine Macleod, *Inventing the Industrial Revolution: the English Patent System: 1660-1880*, (Cambridge 1988).
28. Hansjoerg Pohlmann, *The Inventor's Right in Early German Law*, 43 J. PAT. OFF. SOC'Y (1999).
29. Giles.S.Rich, *Are Letters Patent Grants of Monopoly?*, *Western England Law Review*(1993).
30. Oren Bracha, *The Commodification of Patents 1600-1836*, *The University of Texas School of Law*, May 2005
31. Edward C. Walterscheid, *Defining the Patent and Copyright Term: Term Limits and the Intellectual Property Clause*, *Journal of Intellectual Property Law*, spring, 2000.
32. Thomas B. Nachbar, *Monopoly, Mercantilism and the Politics of Regulation*, *VIRGINIA LAW REVIEW*, VOL. 91, OCTOBER 2005.
33. A.Bloxam, *Letters Patent for Inventions: Their Use and Misuse*, *The Journal of Industrial Economics*, (1957) Vol.5 No.3.
34. Jacob I. Corre, *The Argument, Decision and Reports of Darcy v. Allen*, 45 *Emory L. J.* 161 (1996).
35. Elizabeth Read Foster, *The Procedure of the House of Commons Against Patents and Monopolies 1621–1624*, in *Conflict In Stuart England: Essays In Honour Of Wallace Notestein* 57, (William Appleton Aiken & Basil Duke Henning eds., 1960).
36. Adam Mossoff, *Rethinking the Development of Patents: An Intellectual History, 1550-1800*, *Intellectual Property &*

- Communications Law Program Michigan State University-DCL College of Law, 52 HASTINGS LAW JOURNAL 1255 (2001).
37. Coulter, Moureen. *Property in Ideas: The Patent Question in Mid-Victorian England*. Kirksville, MO: Thomas Jefferson Press, 1991.
38. Dutton, H. I. *The Patent System and Inventive Activity during the Industrial Revolution, 1750-1852*, Manchester, UK: Manchester University Press, 1984.
39. Gomme, A. A. *Patents of Invention: Origin and Growth of the Patent System in Britain*, London: Longmans Green, 1946.
40. Khan, B. Zorina, and Kenneth L. Sokoloff. *Innovation of Patent Systems in the Nineteenth Century: A Comparative Perspective*. Unpublished manuscript (2001).
41. Landes, David, *Technological Change and Industrial Development in Western Europe from 1750 to the Present*. Cambridge: Cambridge University Press, 1969.
42. McCloy, Shelby T. *French Inventions of the Eighteenth Century*. Lexington: University of Kentucky Press, 1952.
43. Hansjoerg Pohlmann, *The Inventor's Right in Early German Law*, 43 J. PAT. OFF. SOC'Y 121, 122-23 (1961).
44. Hughes, J., *The Philosophy of Intellectual Property*, 77 Georgetown Law Journal, (1988).
45. OTA (1992), US Congress, Office of Technology Assessment *Finding a Balance: Computer Software, Intellectual Property, and the Challenge of Technological Change*, OTA-TCT-527 Washington, DC: US Government Printing Office, (1992).
46. Edward C. Walterscheid (1995) *Patents and the Jeffersonian Mythology*, John Marshall Law Review.
47. Coulter, Moureen. *Property in Ideas: The Patent Question in Mid-Victorian England*. Kirksville, MO: Thomas Jefferson Press, 199.

48. Sell, S.K., Intellectual Property as a Trade Issue: From the Paris Convention to GATT, XIII (1989) Legal Studies Forum .
49. Ringer, B., The Role Of The United States In International Copyright - Past, Present, And Future, (1984) International Review of Industrial Property and Copyright Law.
50. Beier, F.K., One hundred years of international cooperation - the role of the Paris Convention in the past, York, 1987.
51. D'Amato, A., International Law: Process and Prospect (Transnational Publishers, Dobbs Ferry, New
52. William Hyde Price, The English Patents of Monopoly (1913).
53. Boston University, Journal of Science and Technology Law (1995).
54. Mark.L.Wolf, Thomas Jefferson, Abraham Lincoln, Louise Brandeis and the Mystery of the Universe.
55. Asia, 16 (1998) Prometheus.
56. Blakeney, M., The Role of Intellectual Property Law in Regional Commercial Unions in Europe and from 1750 to the Present. Cambridge", MA: Cambridge University Press(1969).
57. Landes, M., The Unbound Prometheus: Technological and Industrial Development in Western Europe.
58. (ب) اینترنتی
59. Stein, David J., A History of Patents and the Basis for Claim Construction, at: <<http://www.djstein.com/IP/Files/History of Patents and the Basis of Claim Construction.doc>> accessed Nov. 2015.
60. http://west.thomson.com/store/relatedpdfdownload.aspx?file=126936_2005217_212950.pdf
61. <http://www.altlawforum.org/PUBLICATIONS>

62. <http://www.altlawforum.org/PUBLICATIONS/document.2004-12-18.0853561257>.
63. <http://www.altlawforum.org/PUBLICATIONS/document.2004-12-18.0853561257>
64. <http://www.altlawforum.org/PUBLICATIONS/document.2004-12-18.0853561257>
65. <http://www.altlawforum.org/PUBLICATIONS/document.2004-12-18.0853561257>
66. <http://www.answers.com/topic/patent>
67. <http://www.compilerpress.atfreeweb.com/>
68. <http://www.compilerpress.atfreeweb.com/Anno%20David%20Evolution%20of%20IP%20Institutions%20>.
69. <http://www.djstein.com/IP/Files/HistoryConstruction.doc>.
70. <http://www.druid.dk/conferences/summer2003/Papers/GRANDSTRAND.pdf>, June 12-14, 2003,
71. <http://www.Westacademic.Com/patent: history and basic conceots, 1278 462. 5220 – 1356 55.PDF>.
72. <http://www.druid.dk/conferences/summer2003/Papers/GRANDSTRAND.pdf>
73. http://www.jpo.go.jp/seido_e/rekishi_e/rekisie.htm
74. <http://www.jur.lu.se/Internet/Utbildning/kurser/Albert.doc>.
75. <http://www.obracha.net/patents-com.pdf>
76. <http://www.virginialawreview.org/content/pdfs/91/1313.pdf>
77. <http://www.westacademic.com/FileDownload.aspx?tab=1&productid=127846&category=RD&relatedinfo>
78. <http://www.djstein.com/IP/Files/History%20of%20Patents%20and%20the%20Basis%20of%20Claim%20>.
79. <http://www.wipo.org>

80. [http://www.wipo.org/tk/en/hr/paneldiscussion/papers/word/draho
s.doc](http://www.wipo.org/tk/en/hr/paneldiscussion/papers/word/draho
s.doc)

81. www.jpo.go.jp/seido_e/rekishi_e/rekisie.htm